



Research paper

Attachment Styles, Interpersonal Problems, and Cognitive Emotion Regulation Strategies in Narcissism: A Structural Equation Modeling

Niloofer Sepehrom¹; Samereh Asadi Majareh^{*2}

Abstract

This study examines the relationships between attachment styles, interpersonal problems, and cognitive emotion regulation strategies in individuals with narcissistic personality traits. It is a descriptive-correlational and applied study, utilizing structural equation modeling for data analysis. The sample included 200 students with narcissistic traits from the Islamic Azad University of Tehran South branch, during the 2023–2024 academic year, selected through available sampling. The research instruments included the Narcissistic Personality Questionnaire, the Interpersonal Problems Questionnaire, the Cognitive Emotion Regulation Questionnaire, and the Adult Attachment Scale. The findings revealed that secure, avoidant, and anxious attachment styles had a significant direct effect on interpersonal problems. Also, adaptive emotion regulation strategies had a negative direct effect, and maladaptive strategies had a positive direct effect on interpersonal problems. Also, Secure attachment indirectly influenced interpersonal problems through adaptive emotion regulation strategies, while avoidant and anxious attachment indirectly impacted interpersonal problems through maladaptive strategies. These results suggest that psychological interventions focusing on emotion regulation strategies may help reduce interpersonal difficulties in individuals with narcissistic personality traits. The findings of this study showed that attachment styles, mediated by cognitive emotion regulation strategies, can affect interpersonal problems in individuals with narcissistic personality traits.

Keywords: Attachment styles, cognitive emotion regulation strategies, interpersonal problems, narcissistic personality.

¹ Master's student in clinical psychology, Department of Psychology, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

² Corresponding Author: Assistant Professor, Department of Psychology, Rasht Branch, Islamic Azad University, Rasht, Iran asadimajreh_psy@yahoo.com

سبک‌های دلبستگی، مشکلات بین فردی و راهبردهای تنظیم شناختی هیجان در خودشیفتگی:

یک مدل معادلات ساختاری

نیلوفر سپهرم^۱، سامره اسدی مجره*^۲

چکیده

این مطالعه به بررسی مدل ساختاری روابط بین سبک‌های دلبستگی، مشکلات بین فردی و استراتژی‌های تنظیم هیجان شناختی در افراد با ویژگی‌های شخصیتی خودشیفته پرداخته است. این تحقیق به صورت توصیفی-همبستگی و کاربردی انجام شده و از مدل‌یابی معادلات ساختاری برای تحلیل داده‌ها استفاده شده است. نمونه پژوهش شامل ۲۰۰ دانشجوی با ویژگی‌های شخصیتی خودشیفته در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ بود که به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزارهای تحقیق شامل پرسشنامه شخصیت خودشیفته، پرسشنامه مشکلات بین فردی، پرسشنامه تنظیم هیجان شناختی و مقیاس دلبستگی بزرگسالان بود. نتایج نشان داد که سبک‌های دلبستگی امن، اجتنابی و اضطرابی، اثر مستقیم معناداری بر مشکلات بین فردی دارند. همچنین، استراتژی‌های تنظیم هیجان سازگاران اثر مستقیم منفی، و استراتژی‌های غیرسازگاران اثر مستقیم مثبت بر مشکلات بین فردی داشتند. دلبستگی امن از طریق استراتژی‌های تنظیم هیجان سازگاران، و به طور غیرمستقیم بر مشکلات بین فردی اثر داشت، در حالی که دلبستگی‌های اجتنابی و اضطرابی، از طریق استراتژی‌های غیرسازگاران و به طور غیرمستقیم بر مشکلات بین فردی اثر داشتند. نتایج این مطالعه نشان داد که سبک‌های دلبستگی به میانجی‌گری استراتژی‌های تنظیم شناختی هیجان، می‌تواند بر مشکلات بین فردی افراد با ویژگی‌های شخصیتی خودشیفته اثر داشته باشد.

کلیدواژه‌ها: تنظیم شناختی هیجان، سبک‌های دلبستگی، شخصیت خودشیفته، مشکلات بین فردی.

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، گروه روان‌شناسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

^۲ نویسنده مسئول: استادیار گروه روان‌شناسی، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران. asadimajreh_psy@yahoo.com

اختلالات شخصیت^۱ یکی از اختلالات شایع در جامعه است که تأثیرات جدی بر کیفیت زندگی فرد و روابط بین فردی او می‌گذارند. این اختلالات به‌عنوان گروهی از اختلالات روانی با ویژگی‌های رفتاری پایدار و انعطاف‌ناپذیر شناخته می‌شوند که در قالب الگوهای رفتاری و تجربه‌های درونی ظاهر می‌شوند و عملکرد فردی و اجتماعی فرد را مختل می‌کنند. اختلالات شخصیت به سه خوشه عمده A، B و C تقسیم‌بندی می‌شوند و تخمین زده می‌شود که حدود ۱۰ تا ۱۳ درصد از جمعیت جهان از یک یا چند نوع اختلال شخصیت رنج می‌برند (انجمن روانپزشکی آمریکا، ۲۰۲۲). اختلال شخصیت خود شیفته به عنوان یکی از اختلالات شخصیت خوشه B، به دلیل ویژگی‌های خاص و تأثیرات عمده‌اش بر روابط اجتماعی و روان‌شناختی فرد، اهمیت ویژه‌ای پیدا کرده است. شیوع این اختلال در جمعیت بالینی حدود ۲۱ درصد و در جمعیت عمومی بین صفر تا ۶/۲ درصد است (انجمن روانپزشکی آمریکا^۲، ۲۰۲۲). خودشیفتگی به‌عنوان یک اختلال شخصیت، به ویژگی‌هایی همچون نیاز مفرط به تحسین و تأیید همکاران، احساس خودبزرگ بینی و فقدان همدلی اشاره دارد که می‌تواند موجب اختلال در روابط بین فردی فرد و پیامدهای روان‌شناختی منفی مانند پرخاشگری، کاهش رضایت از زندگی و حتی تهدید به خودکشی گردد (زیگلر-هیل^۳ و همکاران، ۲۰۲۴؛ بیلی^۴ و همکاران، ۲۰۲۴). یکی از مهم‌ترین عواملی که می‌تواند بر ایجاد اختلالات شخصیت از جمله اختلال شخصیت خودشیفته تأثیرگذار باشد، روابط بین فردی اولیه فرد است.

طبق نظریه دلبستگی، دلبستگی در دوران کودکی باعث شکل‌گیری بازنمایی‌های شناختی مثبت از خود و همسالان می‌شود که به‌طور کلی بر روی کیفیت روابط اجتماعی فرد تأثیر می‌گذارد. در این راستا، دو سبک دلبستگی اضطرابی و اجتنابی، زمانی که دلبستگی ایمن مختل شود، به‌طور مستقیم بر رفتارهای هیجانی و بین فردی تأثیر می‌گذارند و باعث شکل‌گیری بازنمایی‌های شناختی منفی می‌شوند (جین و همکاران، ۲۰۲۴). افراد با سبک دلبستگی اضطرابی، با وجود نیاز شدید به صمیمیت و نزدیکی، ترس از طرد و رها شدن نیز دارند. این اضطراب در روابط بین فردی، باعث مشکلات عاطفی و ناتوانی در اعتماد به همکاران می‌شود (مارکوم، ۲۰۲۴). از سوی دیگر، افرادی که سبک دلبستگی اجتنابی دارند، معمولاً از وابستگی به همکاران خودداری می‌کنند و در روابط نزدیک دچار مشکلاتی چون بی‌اعتمادی هستند (برنینگ و وارنبرگ^۵، ۲۰۲۴). مطالعات نشان می‌دهند که دلبستگی ایمن به بهبود روابط بین فردی و مهارت‌های تنظیم هیجان کمک می‌کند، به‌طوری که افراد می‌توانند در مواقع اضطراب به دیگران تکیه کنند و احساس امنیت داشته باشند (برنینگ و وارنبرگ، ۲۰۲۴). برعکس، سبک‌های دلبستگی نایمن مانند اضطرابی و اجتنابی باعث مشکلات در تنظیم هیجان و روابط بین فردی می‌شوند که به افزایش آسیب‌های روانی و عاطفی می‌انجامد (مسینا^۶ و همکاران، ۲۰۲۴).

1. Personality Disorders

2. American Psychiatric Association (APA)

3. Zeigler-Hill

4. Bailey

5. Broning & Wartberg

6. Messina

ویژگی‌های شخصیت خودشیفته مانند نیاز به تحسین، خودبزرگ‌بینی و فقدان همدلی، باعث مشکلات بین فردی نظیر حساسیت، دوسوگرایی، پرخاشگری، نیاز به تأیید اجتماعی و گریز از جامعه‌پذیری می‌شود (ده وریس^۱ و همکاران، ۲۰۲۴). این الگوهای ناکارآمد، که اغلب ناشی از ناتوانی در شناخت و مدیریت هیجانات و نیز تعاملات اجتماعی غیرهمدلانه است، موجب آشفتگی روانی در فرد شده و می‌تواند چرخه‌ای از آسیب‌های عاطفی و اجتماعی را تشدید کند (لیگینز و سل بوم^۲، ۲۰۲۴). مشکلات بین فردی، که اغلب با عوامل زیربنایی روان شناختی مرتبط است که یکی از مهم‌ترین آنها سبک‌های دلبستگی می‌باشد (ده وریس و همکاران، ۲۰۲۴). این سبک‌ها به‌عنوان یک عامل سبب‌شناسی در بروز مشکلات و اختلال‌های شخصیتی نیز شناخته می‌شوند. طبق مطالعات، بسیاری از رفتارهای فردی از دوران کودکی و بر اساس تعاملات با مراقب اولیه شکل می‌گیرند. در صورتی که دلبستگی در دوران کودکی به شیوه‌ای ایمن ایجاد شود، مشکلات شخصیتی و ویژگی‌های ناسازگار فردی در آینده کاهش می‌یابد (امامی و همکاران، ۲۰۲۴). دلبستگی ایمن به کودک کمک می‌کند تا درک بهتری از خود و همکاران پیدا کند و روابط اجتماعی سالم‌تری را در بزرگسالی تجربه کند (ازکوئرو و کانتت^۳، ۲۰۲۴). در نتیجه، شواهد پژوهشی نشان می‌دهند که سبک‌های دلبستگی نقش مهمی در شکل‌گیری مشکلات بین فردی دارند.

تنظیم شناختی هیجان مجموعه‌ای از راهبردهای شناختی است که افراد برای تنظیم هیجانات خود به‌کار می‌برند. این راهبردها شامل روش‌هایی هستند که به‌طور آگاهانه یا ناخودآگاه تلاش می‌کنند شدت یا نوع تجربه هیجانی یا خود رویداد را تنظیم کنند. این تنظیمات می‌توانند از راهبردهای انطباقی و مثبت گرفته تا راهبردهای غیرانطباقی و منفی متغیر باشند. افراد با دلبستگی ایمن به‌طور معمول از راهبردهای مثبت مانند ارزیابی مجدد مثبت یا تمرکز مجدد بر برنامه‌ریزی استفاده می‌کنند، در حالی که افراد با دلبستگی نایمن تمایل به استفاده از استراتژی‌هایی دارند که می‌توانند باعث تشدید احساسات منفی شوند، مانند نشخوار فکری، سرزنش خود یا همکاران (حسنی و همکاران، ۲۰۲۴). این تفاوت در انتخاب استراتژی‌های تنظیم هیجان به‌طور مستقیم بر کیفیت روابط بین فردی و مشکلات رفتاری تأثیر می‌گذارد. در همین راستا، نتایج برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهد که تنظیم شناختی هیجان به‌عنوان یک میانجی و مکانیزم تأثیرگذاری دلبستگی بر متغیرهای روان شناختی عمل می‌کند (اولمدا-مولاس^۴ و همکاران، ۲۰۲۴؛ جین^۵ و همکاران، ۲۰۲۴).

اگرچه نقش میانجی تنظیم شناختی هیجان در رابطه دلبستگی و مشکلات بین فردی بررسی نشده است، این مطالعه به بررسی ارتباط معنادار بین هیجان‌ها و دلبستگی (خان^۶، ۲۰۲۴؛ برنینگ و وارنبرگ، ۲۰۲۴؛ هنشل و همکاران، ۲۰۲۰؛ لوسزوک و همکاران، ۲۰۲۱؛ خانجانی و همکاران، ۱۴۰۳؛ سعیدا و همکاران، ۱۴۰۱) و با مشکلات بین فردی (جینسن^۷ و همکاران، ۲۰۲۴؛ نور و رحمان^۸، ۲۰۲۳؛ ملکی و شهنی بیلاق، ۱۴۰۱؛ سیگارچی و همکاران، ۱۴۰۰؛ کربلایی و همکاران، ۱۳۹۹) اشاره دارد. مسینا و همکاران (۲۰۲۱) نشان دادند که افراد با سبک دلبستگی ایمن، توانایی بیشتری در تنظیم مؤثر و سازگارانه هیجان‌ها دارند. آنها

1. De Vries

2. Leggins & Sellboom

3. Azcaro & Canite

4. Olmeda-Muelas

5. Jin

6. Khan

7. Jennissen

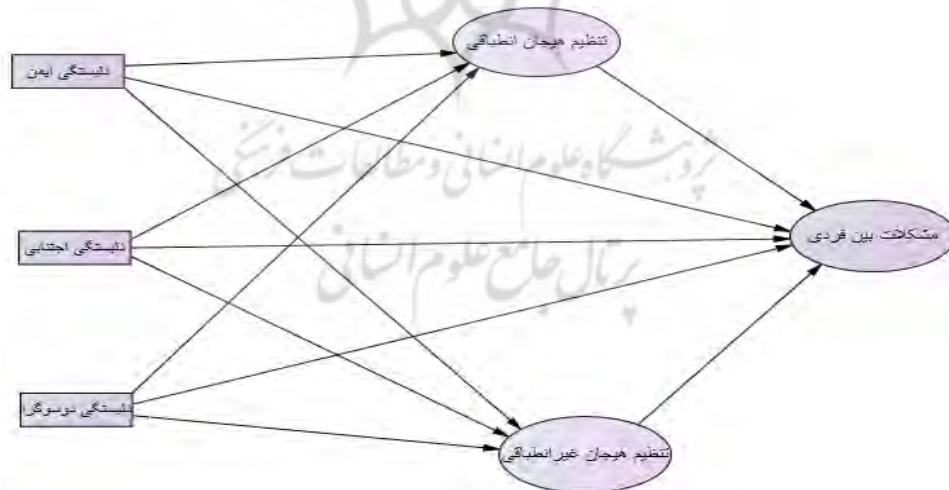
8. Noor & Rehman

۱۱۴ سبک‌های دلبستگی، مشکلات بین‌فردی و راهبردهای تنظیم شناختی هیجان در...

به‌طور تجربی نشان دادند که استفاده از راهبردهای شناختی مثبت مانند تفسیر مثبت موقعیت‌ها یا ایجاد فاصله روان شناختی با هیجان‌های منفی، می‌تواند همدلی را افزایش داده و روابط بین فردی را بهبود بخشد (مسینا^۱ و همکاران، ۲۰۲۱).

برای ایجاد یک پل ارتباطی بین سبک‌های دلبستگی و تنظیم هیجان، باید توجه کنیم که سبک‌های دلبستگی، به‌ویژه دلبستگی ایمن و نایمن، نقش مهمی در شکل‌گیری نحوه‌ی واکنش افراد به هیجان‌ها دارند و در نتیجه، بر انتخاب و به‌کارگیری استراتژی‌های تنظیم هیجان تأثیر می‌گذارند (اسپرینگزتاین و همکاران، ۲۰۲۵). برای مثال، افرادی با دلبستگی اضطرابی ممکن است بیشتر از نشخوار فکری یا سرزنش خود استفاده کنند که این خود می‌تواند به تشدید استرس و اضطراب منجر شود (برزوزوفسکی^۲ و کراسی^۳، ۲۰۲۴). همچنین، استفاده از راهبردهایی چون فاجعه‌سازی می‌تواند منجر به افزایش مشکلات در روابط فردی و اجتماعی گردد. در این فرایند، تنظیم شناختی هیجان به ویژه در موقعیت‌های استرس‌زا، می‌تواند نقش میانجی بین سبک دلبستگی و مشکلات رفتاری ایفا کند.

افراد مبتلا به اختلال شخصیت خودشیفته معمولاً با مشکلات جدی در روابط بین فردی مواجه هستند. در این افراد، تنظیم هیجان غیرانطباقی می‌تواند مشکلات شخصیتی و عاطفی را تشدید کند. آنها اغلب از راهبردهای منفی مانند سرزنش همکاران، فاجعه‌سازی و نشخوار فکری استفاده می‌کنند که افزون بر تأثیر منفی بر روابط، باعث مشکلات رفتاری مانند خودبزرگ‌بینی و ناتوانی در ایجاد روابط سالم می‌شود (اسپرینگزتاین و همکاران، ۲۰۲۵)؛ لذا، این پژوهش با هدف بررسی مدل ساختاری روابط بین سبک‌های دلبستگی، راهبردهای تنظیم شناختی هیجان و مشکلات بین فردی در افراد دارای رگه‌های شخصیت خودشیفته انجام گردید.



شکل شماره ۱. مدل مفهومی پژوهش

از این رو، پژوهش حاضر به آزمون فرضیه‌های زیر می‌پردازد:

1. Messina
2. Brzozowski
3. Crossey

- سبک‌های دلبستگی به‌طور مستقیم بر مشکلات بین فردی تأثیر دارند.
- راهبردهای تنظیم شناختی هیجان بر مشکلات بین فردی اثر مستقیم دارند.
- سبک‌های دلبستگی به میانجی‌گری راهبردهای تنظیم شناختی هیجان بر مشکلات بین فردی اثر غیرمستقیم دارد.

روش پژوهش

روش این پژوهش توصیفی-همبستگی با استفاده از مدل معادلات ساختاری بود. جامعه آماری متشکل از دانشجویان با علائم شخصیت خودشیفته در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب در سال ۱۴۰۳-۱۴۰۲ بودند. حجم نمونه ۲۰۰ نفر با استفاده از پیشنهاد کلاین (۲۰۲۳) محاسبه شد و به روش نمونه‌گیری غیرتصادفی و در دسترس و با نمره برش کسب‌شده تعیین شد. ملاک‌های ورود شامل تشخیص رگه‌های شخصیت خودشیفته (نمره ۸ و بالاتر در پرسشنامه‌آمز)، رده سنی ۱۸ تا ۴۵ سال و رضایت برای شرکت در پژوهش بود. برای اجرای پژوهش، ابتدا با کسب مجوز از دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، اطلاعیه‌ای جهت دعوت به شرکت در پژوهش در میان دانشجویان این واحد دانشگاهی منتشر شد. این اطلاعیه از طریق گروه‌های دانشجویی، تابلوهای اعلانات، و شبکه‌های مجازی داخلی) منتشر گردید. در این اطلاعیه، هدف پژوهش، محرمانه بودن اطلاعات و نحوه شرکت در مطالعه توضیح داده شد. فرایند نمونه‌گیری تا رسیدن به تعداد نمونه لازم (۲۰۰ نفر) که امتیاز ۸ و بالاتر را در پرسشنامه کسب کرده بودند، ادامه یافت، پرسشنامه‌ها به‌صورت آنلاین در قالب پرسلاین در اختیار شرکت‌کنندگان قرار گرفت. در مجموع، ۷۳۶ دانشجو به پرسشنامه پاسخ دادند. تعداد ۲۰۰ نفر که طبق پرسشنامه شخصیت خودشیفته امتیاز ۸ به بالا کسب کرده بودند، وارد تحلیل نهایی گردید. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از ضریب همبستگی پیرسون و مدل معادلات ساختاری با نرم‌افزارهای SPSS^{۲۴} و AMOS^{۲۶} استفاده شد.

ابزارها

پرسشنامه شخصیت خودشیفته (NPI-16)^۱: پرسشنامه شخصیت خودشیفته که توسط آمز^۲ و همکاران (۲۰۰۶) طراحی شده است، شامل ۱۶ گویه می‌باشد که خودشیفتگی را بر اساس رویکرد تک‌بعدی ارزیابی می‌کند. این پرسشنامه از جفت گویه‌هایی تشکیل شده است که پاسخ‌دهنده باید یکی از آنها را انتخاب کند (گزینه الف = یک و گزینه ب = صفر). این روش به راحتی امکان نمره‌گذاری را فراهم می‌کند و به عنوان یک ابزار خودسنجی کوتاه برای سنجش ویژگی‌های خودشیفتگی در گروه‌های غیربالینی مناسب است. آمز و همکاران (۲۰۰۶) پایایی بازمیابی این پرسشنامه را ۰/۸۵ طی پنج هفته گزارش کرده‌اند. افزون بر این، روایی همگرای این ابزار از طریق محاسبه همبستگی بین نمره‌های پرسشنامه شخصیت خودشیفته و خرده‌مقیاس‌های برون‌گرایی و گشودگی نسبت به تجربه در مقیاس پنج عامل بزرگ شخصیت بررسی شده است. ضریب همبستگی برای خرده‌مقیاس برون‌گرایی ۰/۳۲ و برای گشودگی نسبت به تجربه ۰/۴۱ گزارش شده است. محمدزاده (۱۳۸۸) ضریب آلفای

1. Narcissistic Personality Inventory, NPI-16

2. Ames

۱۱۶ سبک‌های دلبستگی، مشکلات بین‌فردی و راهبردهای تنظیم شناختی هیجان در...

کرونباخ را ۰/۷۹، ضریب همبستگی بین پرسشنامه شخصیت خودشیفته و پرسشنامه چندمحوری بالینی میلون- دو را برابر با ۰/۷۷ برای این پرسشنامه گزارش کرد. پایایی این ابزار با استفاده از آلفای کرونباخ در پژوهش حاضر ۰/۸۱ به دست آمد. پرسشنامه مشکلات بین فردی (IIP-47)^۱: که توسط پیلکونیس^۲ و همکاران (۱۹۹۶) طراحی شده است، ابزاری برای ارزیابی مشکلات بین فردی در افراد است. این پرسشنامه شامل ۴۷ گویه و پنج خرده‌مقیاس می‌باشد که عبارتند از حساسیت بین فردی^۳ (۱۱ گویه)، دوسوگرایی بین فردی^۴ (۹ گویه)، پرخاشگری^۵ (۷ گویه)، نیاز به تأیید اجتماعی^۶ (۹ گویه) و عدم جامعه‌پذیری^۷ (۹ گویه). پاسخ‌دهی به این پرسشنامه بر اساس طیف لیکرت ۵ درجه‌ای از «اصلاً» (نمره ۰) تا «بسیار زیاد» (نمره ۴) انجام می‌شود. پیلکونیس و همکاران (۱۹۹۶) ضریب آلفای کرونباخ این مقیاس را برای خرده‌مقیاس‌ها بین ۰/۸۳ تا ۰/۹۰ گزارش کردند. در خصوص روایی همگرایی این ابزار در مطالعه پیلکونیس و همکاران (۱۹۹۶)، میزان همبستگی خرده‌مقیاس‌های پرسشنامه مشکلات بین فردی با شخصیت خودشیفته، اجتنابی و وابسته مثبت و معنادار بود که بین ۰/۱۴ تا ۰/۵۱ به دست آوردند. آفتاب (۱۳۹۵) پایایی خرده‌مقیاس‌ها را با روش آلفای کرونباخ از ۰/۷۱ تا ۰/۸۵ گزارش کرد. در پژوهش حاضر نیز ضریب آلفای کرونباخ پرسشنامه ۰/۸۷ به دست آمد.

پرسشنامه تنظیم شناختی هیجان (CERQ)^۸: این پرسشنامه که توسط گارنفسکی^۹ و همکاران در سال ۲۰۰۱ طراحی شده است، ابزاری چندبعدی برای ارزیابی راهبردهای تنظیم هیجان در افراد می‌باشد. این پرسشنامه شامل ۳۶ گویه است که به دو دسته کلی راهبردهای انطباقی و غیرانطباقی تقسیم می‌شود. راهبردهای انطباقی شامل تمرکز مثبت مجدد (۴ گویه)، تمرکز مجدد بر برنامه‌ریزی (۴ گویه)، ارزیابی مجدد مثبت (۴ گویه)، دیدگاه‌پذیری و پذیرش (۴ گویه) است، در حالی که راهبردهای غیرانطباقی شامل سرزنش خود (۴ گویه)، سرزنش همکاران (۴ گویه)، نشخوار فکری (۴ گویه) و فاجعه‌سازی (۴ گویه) می‌باشد. این پرسشنامه بر اساس طیف لیکرت ۵ درجه‌ای (از "تقریباً هرگز" تا "تقریباً همیشه") نمره‌گذاری می‌شود. در پژوهش‌های اولیه، گارنفسکی و همکاران (۲۰۰۱) ضریب آلفای کرونباخ برای راهبردهای انطباقی را ۰/۸۱ و برای راهبردهای غیرانطباقی را ۰/۷۸ گزارش کردند. همچنین ضریب همبستگی بین این پرسشنامه با چک لیست اختلالات روانی را محاسبه و ضرایب آن را در دامنه ۰/۱۷ تا ۰/۵۵ و معنادار گزارش کردند که نشان‌دهنده روایی ملاکی (همزمان) است. این پرسشنامه در ایران هنجاریابی شده است و پایایی آن با آلفای کرونباخ محاسبه و ضرایب برای راهبردهای ناسازگارانه در دامنه ۰/۸۲ تا ۰/۸۷، راهبردهای سازگارانه در دامنه ۰/۷۹ تا ۰/۸۵ به دست آمده است. روایی ملاکی این ابزار را با سیاهه افسردگی بک برای راهبردهای سازگارانه در دامنه ۰/۲۵- تا ۰/۳۲-، و راهبردهای ناسازگارانه در دامنه ۰/۳۶ تا ۰/۴۸ به دست آمده است (حسنی، ۱۳۸۹). در

1. Inventory of Interpersonal Problems (IIP)

2. Pilkonis

3. Interpersonal sensitivity

4. Interpersonal ambivalence

5. Aggression

6. Need for social approval

7. Insociability

8. Cognitive Emotion Regulation Questionnaire (CERQ)

9. Garnefski

این پژوهش نیز، پایایی این ابزار با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برای راهبردهای انطباقی و غیرانطباقی به ترتیب ۰/۸۱ و ۰/۷۸ محاسبه شده است.

مقیاس دلبستگی بزرگسالان تجدیدنظر شده (RAAS)^۱: این مقیاس توسط کالینز و رید^۲ (۱۹۹۰) طراحی شده است، ابزاری است که برای ارزیابی سه سبک دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا/اضطرابی در بزرگسالان به کار می‌رود. این مقیاس شامل ۱۸ گویه است که هر یک از سبک‌های دلبستگی را در قالب شش گویه مستقل ارزیابی می‌کند. پاسخ‌دهی به این پرسشنامه بر اساس طیف لیکرت ۵ درجه‌ای (از "به هیچ وجه با خصوصیات من تطابق ندارد" = ۱ تا "به شدت با خصوصیات من تطابق دارد" = ۵) انجام می‌شود. در پژوهش‌های اولیه، کالینز و رید (۱۹۹۰) ضریب آلفای کرونباخ را برای سبک‌های دلبستگی ایمن ۰/۸۵، اجتنابی ۰/۸۱، و اضطرابی ۰/۷۸ گزارش کرده‌اند. پاکدامن در سال ۱۳۸۰، پایایی بازآزمایی و روایی این ابزار را به ترتیب ۰/۹۷ و ۰/۵۶ گزارش کرد (محمدی و همکاران، ۱۴۰۱). پایایی پرسشنامه را با روش آلفای کرونباخ برای دلبستگی دوسوگرا، ایمن و اجتنابی به ترتیب ۰/۶۵، ۰/۷۳ و ۰/۷۴ گزارش کردند. در پژوهش حاضر نیز، ضریب آلفای کرونباخ برای سبک‌های مختلف دلبستگی بین ۰/۸۱ تا ۰/۸۹ محاسبه شده است.

یافته‌ها

در این پژوهش ۲۰۰ نفر شرکت کردند که ۸۴ درصد آنها زن و ۱۶ درصد مرد بودند و بیشتر شرکت‌کنندگان دارای مدرک کارشناسی بودند. از آنجایی که برای انجام معادلات ساختاری پارامتریک، پیش فرض نرمال بودن داده‌ها و متغیرها لازم است، در جدول شماره ۱، نتایج میانگین، انحراف معیار و آزمون کلموگروف-اسمیرنوف (K-S) جهت بررسی نرمال بودن توزیع متغیرها آورده شده است. نتایج جدول زیر نشان می‌دهد که سطح معناداری متغیرها در آزمون کلموگروف-اسمیرنوف (K-S) بیشتر از ۰/۰۵ بوده و لذا می‌توان نتیجه گرفت که متغیرها دارای توزیع نرمال هستند.

جدول شماره ۱. آمار توصیفی و بررسی نرمال بودن توزیع متغیرها

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	آماره K-S	سطح معناداری
نمره کل مشکلات بین فردی	۶۵/۹۵	۱۹/۷۶	۰/۸۴۴	۰/۴۷۵
حساسیت بین فردی	۱۷/۵۱	۵/۶۸	۱/۲۱۹	۰/۱۰۲
دوسوگرایی بین فردی	۱۳/۷۰	۵/۵۸	۰/۹۵۹	۰/۳۱۶
پرخاشگری بین فردی	۷/۳۰	۵/۰۱	۱/۲۸۷	۰/۰۷۱
نیاز به تأیید اجتماعی	۱۵/۹۱	۳/۵۷	۱/۲۷۴	۰/۰۷۸
عدم جامعه‌پذیری	۱۲/۳۳	۷/۵۸	۰/۹۶۶	۰/۳۰۸
سبک دلبستگی ایمن	۱۵/۲۵	۴/۱۴	۱/۲۱۹	۰/۱۰۲
سبک دلبستگی اجتنابی	۷/۹۳	۳/۵۳	۱/۲۳۳	۰/۰۸۱
سبک دلبستگی دوسوگرا	۶/۷۴	۵/۰۰	۱/۲۹۱	۰/۰۶۲
تنظیم هیجان انطباقی	۷۰/۶۵	۱۱/۶۷	۰/۸۵۸	۰/۴۵۴

^۱ The Revised Adult Attachment Scale (RAAS)

^۲ Collins & Read

تنظیم هیجان غیرانطباقی	۴۶/۹۲	۹/۶۷	۰/۹۸۹	۰/۲۸۱
------------------------	-------	------	-------	-------

از آنجاییکه نرمال بودن متغیرها تأیید شد برای بررسی همبستگی بین متغیرها از ضریب همبستگی پیرسون استفاده می‌شود. جدول شماره ۲ ماتریس همبستگی پیرسون متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد. با توجه به جدول شماره ۲، ضرایب همبستگی بین متغیرها (جاهای که ضریب همبستگی بین متغیرها آورده شده است) در سطح ۰/۰۱ با هم معنادار هستند. توجه داریم که در جدول زیر ضرایب همبستگی در عدد ۱۰۰ ضرب شده و به صورت درصد بیان شده‌اند.

جدول شماره ۲. ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱
۱. نمره کل مشکلات بین فردی	۰۰										
۲. حساسیت بین فردی	۸۲	۰۰									
۳. دوسوگرایی بین فردی	۶۵	۳۹	۰۰								
۴. پرخاشگری بین فردی	۷۱	۶۴	۳۰	۰۰							
۵. نیاز به تأیید اجتماعی	۵۴	۳۶	۱۵	۱۹	۰۰						
۶. عدم جامعه‌پذیری	۸۰	۵۰	۳۹	۴۱	۴۴	۰۰					
۷. سبک دلبستگی ایمن	-۳۹	-۲۸	-۲۷	-۲۷	-۵۲	۰۰					
۸. سبک دلبستگی اجتنابی	۳۶	۴۲	۱۹	۳۷	۱۹	-۳۱	۰۰				
۹. سبک دلبستگی دوسوگرا	۳۴	۶۰	۱۷	۴۳	۳۵	-۲۸	۵۱	۰۰			
۱۰. تنظیم هیجان انطباقی	-۲۴	-۱۷	-۲۷	-۲۴	-۲۱	-۲۰	۰۰				
۱۱. تنظیم هیجان غیرانطباقی	۴۷	۵۲	۴۳	۱۷	۳۸	-۳۱	۳۲	۴۳	۰۰		

توجه: تمامی ضرایب همبستگی در عدد ۱۰۰ ضرب شده و در سطح ۰/۰۱ معنادار می‌باشند.

نتایج جدول شماره ۳ نشان می‌دهد که تمامی شاخص‌های برازش مدل در محدوده قابل قبول قرار دارند و مدل نهایی به‌طور کلی از دقت و اعتبار بالایی برخوردار است. این نتایج تأییدکننده صحت مدل نهایی بوده و می‌تواند به‌عنوان مبنایی برای تحلیل‌های آتی مورد استفاده قرار گیرد. براساس جدول مقادیر شاخص‌های برازش مدل، مقدار شاخص X^2/df کمتر از ۳ و مقادیر شاخص‌های RFI، IFI، NFI، CFI و TLI همگی بالاتر از ۰/۹۰ هستند. از سوی دیگر، مقدار شاخص RMSEA نیز کمتر از ۰/۰۸ است. به این ترتیب، می‌توان نتیجه گرفت که برازش مدل مورد استفاده مطلوب است.

جدول شماره ۳. شاخص‌های برازش کلی مدل

شاخص	X ² /df	P	CFI	NFI	IFI	RFI	TLI	RMSEA
مدل	۲/۱۵	۰/۰۰	۰/۹۲	۰/۹۱	۰/۹۱	۰/۹۱	۰/۹۴	۰/۰۴

۱۲۰ سبک‌های دلبستگی، مشکلات بین‌فردی و راهبردهای تنظیم شناختی هیجان در...

راهبردهای غیر انطباقی مثبت و معنادار است؛ لذا فرضیه ۳ پژوهش تأیید می‌شود. اثرات کل از مجموع اثرات مستقیم و غیرمستقیم محاسبه می‌شود. اثر کل دلبستگی ایمن بر مشکلات بین فردی برابر ۰/۹۶-، دلبستگی اجتنابی بر مشکلات بین فردی برابر ۰/۸۳ و دلبستگی دوسوگرا بر مشکلات بین فردی برابر ۰/۹۹ است.

جدول شماره ۴. اثرات مستقیم و غیرمستقیم

مسیر	اثر مستقیم	اثر غیر مستقیم	اثر کل	t	سطح معناداری	نتیجه
دلبستگی ایمن ← مشکلات بین فردی	-۰/۵۵		-۰/۹۶	-۱۷/۳۹	۰/۰۰۱	تأیید
دلبستگی اجتنابی ← مشکلات بین فردی	۰/۵۹		۰/۸۳	۱۲/۱۷	۰/۰۰۱	تأیید
دلبستگی دوسوگرا ← مشکلات بین فردی	۰/۴۱		۰/۹۹	۱۹/۷۵	۰/۰۰۱	تأیید
دلبستگی ایمن ← راهبردهای تنظیم هیجان انطباقی	۰/۲۹		۶/۹۳	۰/۰۱	۰/۰۱	تأیید
دلبستگی اجتنابی ← راهبردهای تنظیم هیجان انطباقی	۰/۰۸		۱/۱۲	۰/۱۹۶	رد	
دلبستگی دوسوگرا ← راهبردهای تنظیم هیجان انطباقی	-۰/۳۸		-۹/۳۸	۰/۰۰۳	تأیید	
دلبستگی ایمن ← راهبردهای تنظیم هیجان غیرانطباقی	-۰/۴۷		-۱۰/۶۸	۰/۰۰۱	تأیید	
دلبستگی اجتنابی ← راهبردهای تنظیم هیجان غیرانطباقی	۰/۴۲		۹/۹۵	۰/۰۰۱	تأیید	
دلبستگی دوسوگرا ← راهبردهای تنظیم هیجان غیرانطباقی	۰/۶۸		۱۷/۸۹	۰/۰۰۱	تأیید	
راهبردهای تنظیم هیجان انطباقی ← مشکلات بین فردی	-۰/۳۶		-۸/۵۵	۰/۰۰۶	تأیید	
راهبردهای تنظیم هیجان غیرانطباقی ← مشکلات بین فردی	۰/۶۵		۱۵/۹۱	۰/۰۰۱	تأیید	
دلبستگی ایمن ← راهبردهای تنظیم هیجان انطباقی ← مشکلات بین فردی	-۰/۱۰				تأیید	
دلبستگی اجتنابی ← راهبردهای تنظیم هیجان انطباقی ← مشکلات بین فردی	-۰/۰۲۹				رد	
دلبستگی دوسوگرا ← راهبردهای تنظیم هیجان انطباقی ← مشکلات بین فردی	۰/۱۴				تأیید	
دلبستگی ایمن ← راهبردهای تنظیم هیجان غیرانطباقی ← مشکلات بین فردی	-۰/۳۱				تأیید	
دلبستگی اجتنابی ← راهبردهای تنظیم هیجان غیرانطباقی ← مشکلات بین فردی	۰/۲۷				تأیید	
دلبستگی دوسوگرا ← راهبردهای تنظیم هیجان غیرانطباقی ← مشکلات بین فردی	۰/۴۴				تأیید	

در جدول شماره ۵ نتایج بوت استرپ سبک‌های دلبستگی بر مشکلات بین فردی با میانجی‌گری راهبردهای تنظیم هیجان آورده شده است.

جدول شماره ۵. نتایج بوت استرپ برای تأیید یا عدم تأیید اثرات غیرمستقیم

نتیجه	مقدار بوت		مسیر
	حد بالا	حد پایین	
تأیید	۰/۲۲	۰/۱۸	دلبستگی ایمن ← راهبردهای تنظیم هیجان انطباقی ← مشکلات بین فردی
رد	۰/۱۱	-۰/۰۹	دلبستگی اجتنابی ← راهبردهای تنظیم هیجان انطباقی ← مشکلات بین فردی
تأیید	۰/۲۴	۰/۲۰	دلبستگی دوسوگرا ← راهبردهای تنظیم هیجان انطباقی ← مشکلات بین فردی
تأیید	۰/۲۱	۰/۱۶	دلبستگی ایمن ← راهبردهای تنظیم هیجان غیرانطباقی ← مشکلات بین فردی
تأیید	۰/۲۳	۰/۱۷	دلبستگی اجتنابی ← راهبردهای تنظیم هیجان غیرانطباقی ← مشکلات بین فردی
تأیید	۰/۲۱	۰/۱۸	دلبستگی دوسوگرا ← راهبردهای تنظیم هیجان غیرانطباقی ← مشکلات بین فردی

در روش بوت استرپ چنانچه حد بالا و پایین این آزمون هر دو مثبت و یا هر دو منفی باشند و صفر مابین این دو حد قرار نگیرد، مسیر علی غیر مستقیم معنادار خواهد بود. نتایج جدول ۵ نشان می‌دهد که مقدار اثر تمام مسیرهای غیر مستقیم به غیر از مسیر سبک دلبستگی اجتنابی بر مشکلات بین فردی با میانجی‌گری راهبردهای تنظیم هیجان انطباقی که برابر ۰/۱۴ است معنادار می‌باشند. در این مسیر، حد پایین فاصله اطمینان -۰/۰۹ و حد بالای آن ۰/۱۱ محاسبه شد. با توجه به اینکه صفر در فاصله اطمینان قرار می‌گیرد می‌توان نتیجه گرفت که اثر غیرمستقیم سبک دلبستگی اجتنابی بر مشکلات بین فردی با میانجی‌گری راهبردهای تنظیم هیجان انطباقی معنادار نیست.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی مدل ساختاری روابط بین سبک‌های دلبستگی، راهبردهای تنظیم شناختی هیجان و مشکلات بین فردی در افراد دارای رگه‌های شخصیت خودشیفته انجام گردید. نتیجه مربوط به فرضیه اول نشان داد که سبک‌های دلبستگی تأثیر معناداری بر مشکلات بین فردی دارد، که این یافته همسو با نتایج پژوهش‌های خانجانی و همکاران (۱۴۰۳)، و سیگارچی و همکاران (۱۴۰۰) می‌باشد. در واقع، مطالعات مختلف نشان داده‌اند که افراد با سبک دلبستگی ایمن نسبت به افراد با سبک‌های دلبستگی نایمن اجتنابی و دوسوگرا، از توانایی بالاتری در مدیریت روابط بین فردی برخوردارند و مشکلات کمتری در تعاملات اجتماعی خود تجربه می‌کنند. سبک دلبستگی ایمن با ویژگی‌های مثبتی چون اعتماد به نفس، خودپنداره سالم و توانایی حل مشکلات بین فردی همراه است، که می‌تواند به کاهش این مشکلات کمک کند. از سوی دیگر، سبک‌های دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا با مشکلات بیشتری در روابط اجتماعی و تعاملات بین فردی مرتبط هستند، زیرا افراد با این سبک‌ها تمایل دارند که از ارتباطات نزدیک بپرهیزند یا در آنها دچار تضاد و دوگانگی شوند. افراد با سبک دلبستگی ایمن در مقایسه با افراد دارای سبک‌های نایمن، سطوح پایین‌تری از نیاز به تأیید اجتماعی و حساسیت بین فردی را تجربه می‌کنند. این تفاوت را می‌توان با توجه به توانمندی این افراد در حفظ مرزهای بین فردی، اعتماد متقابل و تنظیم هیجانی سازگارانه تبیین کرد. در مقابل، افراد با سبک‌های اجتنابی و دوسوگرا، به‌واسطه دشواری در مهار تنش‌های هیجانی و تجربه عدم امنیت در ارتباطات صمیمانه، بیشتر در معرض آسیب‌پذیری‌های میان‌فردی از جمله حساسیت بیش از حد به طرد و اضطراب رابطه‌ای قرار دارند (خان و همکاران، ۲۰۲۴). افراد با سبک دلبستگی ایمن معمولاً کمتر نیاز به تأیید اجتماعی دارند و در مواجهه با انتقادات یا قضاوت‌های اجتماعی،

۱۲۲ سبک‌های دلبستگی، مشکلات بین‌فردی و راهبردهای تنظیم شناختی هیجان در...

حساسیت کمتری از خود نشان می‌دهند. به عبارت دیگر، این افراد از توانایی بالاتری در تنظیم هیجان‌ات خود برخوردارند و روابط اجتماعی خود را به شیوه‌ای سالم‌تر مدیریت می‌کنند. این ویژگی‌ها به کاهش مشکلات بین فردی منجر می‌شود. در مقابل، افراد با سبک‌های دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا به دلیل ترس از طرد شدن و نیاز شدید به تأیید اجتماعی، بیشتر در معرض مشکلات بین فردی هستند. به‌ویژه در دلبستگی دوسوگرا، فرد به دلیل اضطراب و ترس از طرد شدن یا عدم دریافت پاسخ مناسب، در روابط خود حساسیت و اضطراب زیادی تجربه می‌کند که می‌تواند منجر به رفتارهای مخرب مانند پرخاشگری، حساسیت زیاد نسبت به نظرات دیگران و ایجاد مشکلات در برقراری روابط سالم و پایدار شود.

نتایج فرضیه دوم نشان داد که اثر مستقیم راهبردهای شناختی تنظیم هیجان بر مشکلات بین فردی معنادار است که این یافته همسو با نتایج مطالعه کربلابی و همکاران (۱۳۹۹) است. در واقع، در افرادی که دارای ویژگی‌های خودشیفته هستند، تنظیم هیجان غیرانطباقی موجب افزایش پرخاشگری، حساسیت بیش‌ازحد به قضاوت‌های دیگران و نیاز شدید به تأیید اجتماعی می‌شود (ملکی و شهنی بیلاق، ۱۴۰۱). نشخوار فکری و سرزنش خود و دیگران می‌تواند در افراد خودشیفته منجر به شکست‌های اجتماعی و کاهش کیفیت روابط بین فردی شود (ده‌ورس و دیگران، ۲۰۲۴). در افراد با رگه‌های اختلال شخصیت خودشیفته، این ابعاد می‌توانند به‌طور قابل توجهی اثرات منفی تنظیم هیجان و مشکلات بین فردی را تقویت کنند. این افراد معمولاً از رفتارهای دفاعی و تهاجمی در مواجهه با تهدیدات عاطفی استفاده می‌کنند که موجب تشدید مشکلات و اختلالات روان‌شناختی مانند افسردگی و اضطراب می‌شود (زیگلر-هیل و دیگران، ۲۰۲۴). افرادی که از راهبردهای شناختی سازگارانه استفاده می‌کنند، از روابط بین فردی رضایت بخش‌تری برخوردار خواهند بود.

نتیجه مربوط به فرضیه سوم نشان داد که سبک‌های دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا به‌طور غیرمستقیم و از طریق میانجی‌گری راهبردهای انطباقی و یا غیرانطباقی بر مشکلات بین فردی تأثیر دارند. این نتایج با یافته‌های پژوهش‌های مختلفی همچون سعیدا و دیگران (۱۴۰۱)، ملکی و شهنی بیلاق (۱۴۰۱)، سیگارچی و دیگران (۱۴۰۰)، و جین و دیگران (۲۰۲۴) هم‌راستاست. پژوهش خانجانی و همکاران (۱۴۰۳) نشان داد که دلبستگی می‌تواند نقش کلیدی در تنظیم هیجان‌ات و رفتارهای اجتماعی ایفا کند و افرادی که دارای سبک دلبستگی ایمن هستند، بهتر می‌توانند روابط بین فردی خود را مدیریت کنند. بر اساس نظریه دلبستگی، زمانی که تعاملات اولیه کودک با مراقب به‌طور ایمن صورت می‌گیرد، این سبک دلبستگی در بزرگسالی موجب بهبود تنظیم هیجان‌ات و کاهش مشکلات در روابط فردی می‌شود (برنینگ و وارنبرگ، ۲۰۲۴). این افراد قادرند از راهبردهای مؤثر تنظیم هیجان استفاده کنند که باعث بهبود روابط اجتماعی‌شان می‌شود. در تبیین این یافته می‌توان گفت که افراد با دلبستگی ایمن تمایل دارند از راهبردهای انطباقی تنظیم هیجان مانند ارزیابی مجدد مثبت، پذیرش و تمرکز بر برنامه‌ریزی استفاده کنند که به آنها کمک می‌کند تا در مواجهه با چالش‌های بین فردی، رویکردهای سازگارانه‌تری اتخاذ کنند. افراد با دلبستگی دوسوگرا به‌طور معمول نمی‌توانند به‌طور مؤثر با استرس‌ها و چالش‌های اجتماعی روبه‌رو شوند و این امر می‌تواند مشکلاتی در روابط بین فردی مانند پرخاشگری، نیاز به تأیید اجتماعی و دوسوگرایی ایجاد کند.

بر اساس نظریه دلبستگی، افراد با سبک دلبستگی ایمن به‌دلیل اعتماد به خود و همکاران، توانایی بهتری در مدیریت روابط بین فردی دارند. در نتیجه، آنها می‌توانند از راهبردهای انطباقی برای تنظیم هیجان‌ات خود استفاده کنند و این امر باعث کاهش

مشکلات بین فردی می‌شود (برنینگ و وارنبرگ، ۲۰۲۴). در مقابل، افرادی که سبک دلبستگی اجتنابی یا دوسوگرا دارند، معمولاً از راهبردهای غیرانطباقی برای مدیریت استرس و هیجانات خود استفاده می‌کنند. این راهبردهای غیرانطباقی، مانند سرزنش خود یا همکاری، می‌توانند منجر به تشدید احساسات منفی، افزایش حساسیت به طرد و ایجاد مشکلات در روابط اجتماعی شوند (مارکوم، ۲۰۲۴). افراد با سبک دلبستگی ایمن قادرند روابط مثبت و صمیمی‌تری با دیگران برقرار کنند و احساس خودارزشمندی بیشتری داشته باشند. در مقابل، افراد با سبک‌های دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا، که بیشتر به دلیل ترس از طرد شدن و نیاز شدید به تأیید اجتماعی یا اجتناب از نزدیکی عاطفی دچار مشکلات هستند، معمولاً از راهبردهای غیرانطباقی برای تنظیم هیجانات خود استفاده می‌کنند. این افراد به‌ویژه در مواجهه با تنش‌های اجتماعی و مشکلات هیجانی، به جای استفاده از شیوه‌های انطباقی، به سرزنش خود یا دیگران و نشخوار فکری می‌پردازند که باعث تشدید مشکلات بین فردی می‌شود (مسینا و همکاران، ۲۰۲۴). این نوع تنظیم هیجان غیرانطباقی موجب بروز مشکلاتی مانند پرخاشگری، نیاز مفرط به تأیید اجتماعی و در نهایت دشواری در ایجاد روابط سالم و صمیمی می‌شود. این یافته‌ها به‌ویژه در افراد با ویژگی‌های اختلال شخصیت خودشیفته که دارای حساسیت بین فردی بالا، دوسوگرایی، پرخاشگری و نیاز به تأیید اجتماعی هستند، قابل تبیین است. در این افراد، ضعف در تنظیم هیجان موجب می‌شود که روابط بین فردی آنها تحت تأثیر احساسات منفی، ناتوانی در کنترل هیجان و گرایش به رفتارهای ناسازگارانه قرار گیرد. بنابراین، سبک دلبستگی و نوع راهبردهای تنظیم شناختی هیجان نقش تعیین‌کننده‌ای در کیفیت روابط اجتماعی و بین فردی افراد با ویژگی‌های خودشیفته دارد.

نتیجه‌گیری کلی این است که سبک دلبستگی ایمن می‌تواند با استفاده از راهبردهای مناسب تنظیم هیجان به کاهش مشکلات بین فردی و بهبود کیفیت روابط منجر شود. در مقابل، سبک‌های دلبستگی اضطرابی و اجتنابی، به‌ویژه در افراد با اختلال شخصیت خودشیفته، می‌توانند مشکلات بین فردی را از طریق استفاده از راهبردهای غیرانطباقی تنظیم هیجان افزایش دهند. این رابطه پیچیده و چندوجهی نشان‌دهنده اهمیت توجه به ابعاد مختلف تنظیم هیجان است که می‌تواند به‌عنوان واسطه‌ای میان دلبستگی و مشکلات بین فردی در افراد با اختلال شخصیت خودشیفته عمل کند. پژوهش‌های محدودیت‌های تحقیق می‌توان گفت که ترکیب نامتوازن جنسیتی شرکت‌کنندگان و محدود بودن حجم نمونه به یک دانشگاه خاص، امکان تعمیم یافته‌ها را محدود می‌سازد. استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس نیز بر دامنه کاربرد نتایج تأثیرگذار بوده است. همچنین، تمرکز پژوهش بر متغیرهای خاص، بدون در نظر گرفتن دیگر عوامل زمینه‌ای همچون موقعیت اجتماعی-فرهنگی یا ویژگی‌های شخصیتی دیگر، دامنه تعمیم مدل را محدود کرده است. با توجه به نتایج تأییدشده، پیشنهاد می‌شود که پژوهش‌های آتی با نمونه‌گیری تصادفی از جمعیت‌های متنوع‌تر و ترکیب جنسیتی متعادل‌تر و با لحاظ متغیرهای تکمیلی، به بررسی مجدد روابط مدل پرداخته و اعتبار بیرونی آن را ارتقا بخشند. نتایج این پژوهش می‌تواند مبنایی برای طراحی مداخلات روان شناختی در جهت بهبود روابط بین فردی و آموزش راهبردهای سازگارانه هیجانی فراهم آورد.

تشکر و قدردانی:

از تمامی مراکز همکاری‌کننده و شرکت‌کنندگان در این پژوهش تشکر و قدردانی می‌شود.

تناقض منافع و حمایت مالی:

این پژوهش هیچ‌گونه تعارض منافع ندارد و حمایت مالی از سوی هیچ نهاد یا ارگانی دریافت نکرده است.

منابع

- آفتاب، رؤیا. (۱۳۹۵). نقش میانجی‌گر دشواری‌های بین فردی در رابطه بین اجتناب تجربی با افسردگی و اضطراب. *فصلنامه روان‌شناسی کاربردی*، ۱۰(۱)، ۵۲۳-۵۴۲. https://apsy.sbu.ac.ir/article_96757.html?lang=fa
- حسینی، جعفر. (۱۳۸۹). خصوصیات روان‌سنجی پرسشنامه نظم‌جویی شناختی هیجان. *مجله روان‌شناسی بالینی*، ۳(۷)، ۷۳-۸۳. <https://doi.org/10.22075/jcp.2017.2031>
- خانجانی، زینب؛ هاشمی، تورج؛ و جلیز، رویا. (۱۴۰۳). نقش میانجی تنظیم هیجانی در رابطه دلبستگی و رفتارهای خوردن کودکان. *رویش روان‌شناسی*، ۱۳(۱)، ۱-۱۰. <http://frooyesh.ir/article-1-4973-fa.html>
- سعید، سمیه؛ بسطامی، مالک؛ موتابی، فرشته؛ و صفرپور، فاطمه. (۱۴۰۱). پیش‌بینی راهبردهای تنظیم شناختی هیجان بر اساس سبک‌های دلبستگی با نقش واسطه‌ای شفقت به خود. *رویش روان‌شناسی*، ۱۱(۵)، ۱۴۷-۱۶۰. <http://dorl.net/dor/20.1001.1.2383353.1401.11.5.12.7>
- سیگارچی، ریحانه؛ ابوالقاسمی، شهنام؛ تیزدست، طاهر؛ و رحمانی، محمدعلی. (۱۴۰۰). ارائه مدل پرخاشگری براساس هوش هیجانی، تنظیم هیجان، مهارت‌های ارتباطی، خودکارآمدی و عملکرد والدین با میانجیگری سبک دلبستگی ناایمن دوسوگرا در نوجوانان دختر دوره متوسطه دوم. *مجله مطالعات ناتوانی*، ۱۱(۱۶۸)، ۱-۱۲. <http://jdisabilstud.org/article-1-2396-fa.html>
- کربلایی، فاطمه؛ حسینی، جعفر؛ و نوری قاسم‌آبادی، ربابه. (۱۳۹۹). رابطه راهبردهای تنظیم شناختی هیجان و افسردگی در دختران دارای روابط عاطفی: نقش میانجی مشکلات بین فردی. *فصلنامه پژوهش‌های کاربردی روان‌شناختی*، ۱۱(۲)، ۲۷۳-۲۹۱. doi: 10.22059/japr.2020.285024.643316
- محمدزاده، علی. (۱۳۸۸). اعتبارسنجی پرسشنامه شخصیت خودشیفته در جامعه ایرانی. *مجله اصول بهداشت روانی*، ۱۱(۴)، ۲۷۴-۲۸۱. <https://doi.org/10.22038/jfmh.2009.1131>
- محمدی، محسن؛ سوداگر، شیدا و بهرامی هیدچی، مریم. (۱۴۰۱). نقش میانجی‌گری مکانیسم‌های دفاعی در پیش‌بینی استرس ادراک شده براساس سبک‌های دلبستگی بیماران مبتلا به کووید-۱۹. *مطالعات روان‌شناختی*، ۱۸(۱)، ۶۹-۸۱. doi: 10.22051/psy.2022.36951.2486.
- ملکی، مینا؛ و شهنی بیلاق، منیجه. (۱۴۰۱). بررسی رابطه پرخاشگری سایبری با تنظیم هیجان، خودکنترلی و افسردگی در دانش‌آموزان پسر دوره متوسطه اول شهر اهواز در سال ۱۴۰۱-۱۴۰۰: یک مطالعه توصیفی. *مجله دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان*، ۲۱(۷)، ۷۵۶-۷۶۱. <http://dx.doi.org/10.52547/jrums.21.7.741>
- Aftab, R. (۲۰۱۸). Mediating role of interpersonal problems in the relationship between experiential avoidance with depression and anxiety. *Applied Psychology*, 10(1), 523-542. https://apsy.sbu.ac.ir/article_96757.html?lang=fa (Text in Persian)
- American Psychiatric Association. (2022). Diagnostic and statistical manual of mental disorders, 5th ed, text revision. *American Psychiatric Association*. <https://www.appi.org/products/dsm>
- Bailey, C. A., Hussain, J. G., & Psychogios, A. (2024). Grandiose narcissism and entrepreneurship: a conceptual framework and future research agenda. *Journal of Entrepreneurship in Emerging Economies*. <https://doi.org/10.1108/JEEE-01-2024-0001>
- Broning, S., & Wartberg, L. (2024). Attachment orientations: associations with romantic partners' self-regulation and dyadic coping. *Journal of Sex & Marital Therapy*, 50(4), 512-526. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1080/0092623X.2024.2322566>
- Brzozowski, A., & Crossey, B. P. (2024). Maladaptive emotion regulation strategies mediate the relationship between biased cognitions and depression. *Journal of Behavioral and Cognitive Therapy*, 34(1), 100485. <https://doi.org/10.1016/j.jbct.2024.100485>

- Collins, N. L., & Read, S. J. (1990). Adult attachment, working models, and relationship quality in dating couples. *Journal of Personality and Social Psychology*, 54, 644-663. <https://labs.psych.ucsb.edu/>
- De Vries, I. R. H., Oudman, E., & Postma, A. (2024). Personality traits and personality problems in Korsakoff syndrome patients. *Journal of Clinical and Experimental Neuropsychology*, 1-13. <https://doi.org/10.1080/13803395.2024.2344840>
- Emami, M., Moghadasin, M., Mastour, H., & Tayebi, A. (2024). Early maladaptive schema, attachment style, and parenting style in a clinical population with personality disorder and normal individuals: A discriminant analysis model. *BMC Psychology*, 12(1), 78. <https://doi.org/10.1186/s40359-024-01564-5> (Text in Persian)
- Ezquerro, A., & Canete, M. (2024). The power of group attachment: john bowlby revisited from a group-analytic perspective. taylor & francis. <https://doi.org/10.4324/9781003271956>
- Garnefski, N., Kraaij, V., & Spinhoven, P. (2001). Negative life events, cognitive emotion regulation and depression. *Personality and Individual Differences*, 30, 1311-1327.
- Henschel, S., Nandrino, J. L., & Doba, K. (2020). Emotion regulation and empathic abilities in young adults: The role of attachment styles. *Personality and Individual Differences*, 156, 109763. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1016/j.paid.2019.109763>
- Hasani, J. (2010). The psychometric properties of the Cognitive Emotion Regulation Questionnaire (CERQ). *Journal of Clinical Psychology*, 2(3), 73-84. doi: 10.22075/jcp.2017.2031 (Text in Persian)
- Hasani, J., Emadi Chashmi, S. J., Zakiniaieiz, Y., & Potenza, M. N. (۲۰۲۴). Psychometric properties of the persian version of the cognitive emotion regulation questionnaire-short (CERQ-P-short): reliability, validity, factor structure, treatment sensitivity, and measurement invariance. *Journal of Psychiatric Research*, 170, 1-10. <https://doi.org/10.1016/j.jpsychires.2023.11.011>
- Jin, L., Zamudio, G., Wang, C. D., & Lin, S. (2024). Insecure attachment and eating disorder symptoms: intolerance of uncertainty and emotion regulation as mediators. *Journal of Clinical Psychology*. <https://doi.org/10.1002/jclp.23685>
- Jennissen, S., Volz, M., Schauenburg, H., & Dinger, U. (2024). State and trait characteristics of attachment as predictors of outcome in inpatient psychotherapy. *Psychotherapy*. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1037/pst0000529>
- Karbalayi, F., Hasani, J., & Noori Ghasemabadi, R. (2020). The relationship between cognitive emotion regulation strategies and depression in female university students involved in romantic relationships: the mediating role of interpersonal problems. *Journal of Applied Psychological Research*, 11(2), 273-291. doi: 10.22059/japr.2020.285024.643316(Text in Persian)
- Khan, F. (2024). Effect of attachment style on emotional regulation and psychological wellbeing among adults. *AIJMR-Advanced International Journal of Multidisciplinary Research*, 2(3). <https://doi.org/10.62127/aijmr.2024.v02i03.1046>
- Kline, R. B. (2023). *Principles and practice of Structural Equation Modeling*. Guilford Publications.
- Khanjani Z., Hashemi, T., Jaliz, R. (2024). The mediating role of emotional regulation in the relationship between attachment and children's eating behaviors. *Rooyesh*. 13(1), 1-10. URL: <http://frooyesh.ir/article-1-4973-fa.html> (Text in Persian)
- Liggins, C., & Sellbom, M. (2024). Psychopathy and interpersonal functioning in a university sample: a hierarchical perspective using the comprehensive assessment of psychopathic personality: a registered report. *Personality Disorders: Theory, Research, and Treatment*. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1037/per0000689>
- Losszock, P., et al. (2021). Narcissistic traits in young people and how experiencing shame relates to current attachment challenges. *BMC Psychiatry*, 21(1), 246. <https://doi.org/10.1186/s12888-021-03249-4>
- Maleki, M., Shehni yailagh, M. (2022). The relationship between cyber aggression and emotion regulation, self-control and depression in male high school students in ahvaz in 2021-2022: a descriptive study. *JRUMS*, 21 (7), 741-756. URL: <http://journal.rums.ac.ir/article-1-6592-fa.html> (Text in Persian)

- Marcum, J. S. (2024). *Perceived childhood paternal betrayal trauma: the impact to attachment and interpersonal relationships as adults*. a dissertation for the degree doctor of education school of behavioral sciences liberty, university partial fulfillment of the requirements. <https://digitalcommons.liberty.edu/doctoral/6243>
- Messina, I., Calvo, V., & Grecucci, A. (2024). Attachment orientations and emotion regulation: new insights from the study of interpersonal emotion regulation strategies. *Research in Psychotherapy: Psychopathology, Process, and Outcome*, 26(3), 703. <https://doi.org/10.4081/ripppo.2023.703>
- Messina, I., Calvo, V., Masaro, C., Ghedin, S., & Marogna, C. (2021). Interpersonal emotion regulation: From research to group therapy. *Frontiers in Psychology*, 12, 636919. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2021.636919>
- Mohammadi, M., Sodagar, S., and Bahrami hidchi, M. (2022). The mediating role of defense mechanisms in predicting perceived stress based on attachment styles in patients with covid-19. *Journal of Psychological Studies*, 18(1), 69-81. doi: 10.22051/psy.2022.36951.2486
- Mohammadzadeh, A. (2009). Iranian validation of the narcissistic personality inventory-16. *Fundamentals of Mental Health*, 11(44), 81-274. doi: 10.22038/jfmh.2009.1131 (Text in Persian)
- Noor, H., & Rehman, S. (2023). Emotion regulation and self-concept as predictors of interpersonal problems in transgender population of Pakistan. *Clinical and Counselling Psychology Review*, 5(2), 78-93. <https://doi.org/10.32350/ccpr.52.05>
- Olmeda-Muelas, N., Cuesta-Zamora, C., Joiner, R., & Ricarte, J. (2024). Parental attachment security and problematic internet use in children: the mediating role of maladaptive cognitive emotion regulation strategies. *Clinical Child Psychology and Psychiatry*, 29(2), 746-763. <https://doi.org/10.1177/13591045231221269>
- Pilkonis, P. A., Kim, Y., Proietti, J. M., & Barkham, M. (1996). Scales for personality disorders developed from the inventory of interpersonal problems. *Journal of Personality Disorders*, 10(4), 355-369. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1521/pedi.1996.10.4.355>
- Saeeda, S., Bastami, M., Mootabi, F., Safarpour, F. (2022). Prediction cognitive emotion regulation strategies based on attachment styles with the mediating role of self-compassion. *Rooyesh*. 11(5), 147-160. URL: <http://frooyesh.ir/article-1-3608-fa.html> (Text in Persian)
- Sigarchi, R., Abolghasemi, S., Tizdast, T., Rahmani, M. A. (2021). Presenting aggression model based on emotional intelligence, emotion regulation, communication skills, self-efficacy, and parental performance mediated by ambivalent attachment style in high school female adolescents. *MEJDS*, 11, 168-168. <http://jdisabilstud.org/article-1-2396-fa.html> (Text in Persian)
- Springstein, T., Growney, C. M., Strube, M. J., & English, T. (۲۰۲۵). Intrinsic interpersonal emotion regulation strategy use and effectiveness across adulthood: The role of interaction partner age. *Emotion*, 25 (2), 457–472. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1037/emo0001435>
- Ziegler-Hill, V., et al. (2024). Narcissistic personality disorder and pathological narcissism. *Encyclopedia of Mental Health (Third Edition)*, 573-582. <https://doi.org/10.1016/B978-0-323-91497-0.00238-1>



This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-Noncommercial 4.0 International (CC BYNC4.0 license) (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>).